

(-)

-

()

تحلیل و نقش رقابت‌های حمدانی – بریدی در رشد و ارتقای آل‌بویه

دکتر علی‌اکبر کجباف* دکتر فریدون الهیاری** عبدالرفیع رحیمی***

چکیده

در آستانه ورود آل‌بویه به بغداد در سال ۳۳۴ هـ.ق، چند گروه عمده مدعی امارت و حاکمیت بر بغداد بودند. نخست گروه حمدانیان، دوم گروه ترکان و سوم برادران بریدی که بر ثروتمندترین و کلیدی‌ترین منطقه نزدیک به بغداد (اهواز، واسط، بصره و بطائح) حاکمیت دیرینه سالی داشتند. در چنین گردونه رقابتی، نبرد سرنوشت‌ساز به نام جنگ کیل (نزدیک مدائن) در سال ۳۳۰ هـ.ق میان حمدانیان و متحدانشان (ترکان) به عنوان یاران خلافت با بریدیان و هم‌پیمانانشان (دیلمیان) رخ داد که نتایج شگرفی به جای گذاشت.

بریدیان نزدیک به بیست سال (۳۱۴-۳۳۲ هـ.ق) در جنگ‌های بسیاری وارد شدند؛ اما شکست خاندان بریدی در رویارویی با حمدانیان، اولین و آخرین شکست آنان به معنای وسیع کلمه بود. بریدیان در جنگ کیل به گونه‌ای درهم شکسته و پریشان حال شدند که دیگر توانایی بازسازی نظامی و اجرای هیچ‌گونه تحرکی را در منطقه نداشتند.

این نبرد هم سرنوشت بغداد را دگرگون کرد و هم به دوران سلطه و اقتدار امیرالامراها در فاصله سال‌های ۳۲۴ تا ۳۳۴ هـ.ق پایان داد؛ به ویژه سقوط خاندان بریدی را شتاب بخشید و سران و سپاهیان آل‌بویه، که از یک دهه پیش مترصد تسلط بر بغداد بودند، اینک بدون وجود هیچ‌گونه مزاحمی (بریدیان) راه را برای رسیدن به دارالخلافه (بغداد) هموار دیدند. مقاله حاضر در پی دستیابی به مهم‌ترین پیامدهای نبرد کیل و چگونگی حضور آل‌بویه به عنوان تنها پیروز میدان نبرد در بغداد است.

واژه‌های کلیدی

بریدیان، آل‌بویه، حمدانیان، عباسیان، امیرالامرای.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان.

*** دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان.

f.allahyari@ltr.ui.ac.ir

aghabeigom@yahoo.com

مقدمه

خلافت عباسی در قرن چهارم و در دوره راضی (۳۲۲ - ۳۲۹ هـ ق) برای اصلاح وضع موجود با پیدایش و ظهور پدیده امیرالامرایی (۳۲۴ هـ ق) روبرو شد؛ اما تداوم رقابت و درگیری‌های امیرالامرایان با یکدیگر بر سر قدرت و حاکمیت بر بغداد، نابسامانی‌هایی را بیش از پیش دامن زد که حمدانیان، بریدیان و ابن‌رائق در سه ضلع این قدرت‌طلبی جای داشتند. به علاوه، هم‌زمان آل‌بویه و سرداران سپاهی ترک و دیلم نیز خواهان سهمی در حاکمیت بودند. حمدانیان به علت پایگاه مستحکمی که در اختیار داشتند (موصل) و به سبب روابط گرم و صمیمی با خلفا، توجه آنان را به خود جلب کردند؛ بنابراین، خلیفه متقی و اطرافیانش برای درهم شکستن قدرت بریدیان، که اینک بر بغداد چیره بودند، به حمدانیان پناهنده شدند. آنان در موصل پایگاه و اتحادیه‌ای تشکیل دادند و سایر نیروهای مردمی و سپاهی (ترکان) نیز از بغداد به خلیفه و حمدانیان پیوستند. در بررسی تاریخی دستگاه خلافت نکات زیر قابل توجه است:

الف) قدرت نهاد وزارت به علت دخالت‌های پی‌درپی سپاهیان و نفرستادن مالیات به وسیله مؤدیان مالیاتی دولت رو به افول رفته بود (ابن‌خلدون ۱۳۶۶: ۵۸۳/۲ ایوب، ۱۹۸۹: ۱۲۲؛ وعش، ۱۴۰۲ هـ ق: ۱۷۲).

ب) نهاد نوپای امیرالامرایی در گستره اختیارات وسیع خود و با ظهور رقبا نه تنها مشکلی از حاکمیت را حل نکرد، بلکه خود در چرخه درگیری‌ها دوچندان مشکل‌ساز شد و زمینه دخالت گروه‌های دیگر را فراهم کرد (کرمر: ۱۳۷۵، ۷۲).

ج) سپاهیان مسلط بر بغداد مانند گروه‌های نظامی ساجیان و حجریان^۱ و قدرت‌طلبانی چون بریدیان و قرمطیان گهگاه زمینه‌ساز بروز هرج و مرج در شهر و

اطراف آن می‌شدند (ابن‌مسکویه ۱۳۷۶: ۵/۳۸۳-۳۸۸).

این مقاله درصدد است به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. سرنوشت حمدانیان و بریدیان پس از نبرد کیل به کجا انجامید؟

۲. به چه علت پس از این نبرد موضع آل‌بویه در منطقه مستحکم شد؟

مکان کیل

نبرد سرنوشت‌ساز سال ۳۳۰ هـ ق میان حمدانیان و بریدیان در اطراف مدائن و در روستای کیل روی داد. این منطقه در منابع جغرافیایی و تاریخی به صورت کیل (همان: ۶/۵۸؛ مقدسی، ۱۹۰۶: ۱۱۵)، کال (حموی، ۱۳۹۹: ۴/۴۹۸)، جال، جبل (یعقوبی، ۱۳۴۷: ۱۰۰؛ صولی، بی‌تا: ۲۲۸) و جبل (حموی، ۱۳۹۹: ۱۵۱؛ اصطخری، ۱۳۴۷: ۸۷) آمده است. ابوبکر صولی در حوادث سال ۳۳۰ هـ ق از نبرد جال در پایین مداین سخن رانده؛ اما جزئیات بیشتری ارائه نکرده است (صولی، بی‌تا: ۲۲۸). یاقوت حموی آن را به کسر و سکون لام دانسته و گفته است این همان است که ابن‌حجاج (شاعر) در شعرش از آن یاد کرده است؛ بدین گونه: لعن الله لیلتی با لکال^۲ (حموی، ۱۳۹۹: ۴/۴۹۸). ابن‌رسته هم از جبل نام برده است که در ناحیت میسان قرار داشت و آشپزخانه سلطان در آنجا بود (ابن‌رسته، ۲۱۸: ۱۳۶۵؛ لسترنج، ۱۳۶۴: ۴۰).

ابن‌اثیر گزارش جنگ بریدی و حمدانی را با جزئیات بیشتری ذکر کرده؛ اما از ارائه هرگونه اطلاعاتی در مورد کیل خودداری و اشاره نموده که نبرد در دو فرسخی مدائن روی داده است، بدون آنکه جهت جغرافیایی آن را مشخص کند. تنها آشکار است که میدان نبرد تقریباً دو فرسخ از مدائن فاصله داشته است (ابن‌اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/۱۰۴؛ ابن‌العماد، بی‌تا: ۴/

۱۶۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۰۳/۱۱؛ سیوطی، ۱۳۷۱: ۳۶۵؛ تتوی، ۱۳۸۲: ۳/۱۸۰۴).

در مجموع با توجه به اینکه نیروهای پشتیبان سیف‌الدوله حمدانی در مدائن مستقر بودند، گزارش ابن مسکویه درباره مکان کیل به حقیقت نزدیک‌تر است؛ چراکه مسلم است که صحنه نبرد بریدیان و حمدانیان پیرامون مدائن واقع شده بود؛ زیرا از آنجا بود که ناصرالدوله حمدانی سپاهیان کمکی را به یاری سیف‌الدوله گسیل می‌داشت.

زمینه‌های بروز نبرد و شناخت موقعیت سیاسی-اجتماعی دربار

دستگاه خلافت در دوران مقتدر (۲۹۵-۳۲۰ هـ ق)، قاهر (۳۲۰-۳۲۲ هـ ق) و راضی (۳۲۲-۳۲۹ هـ ق) با آشوب‌های نظامی، سیاسی و مذهبی مواجه بود. به خصوص در دوره راضی درگیری‌های پیچیده امیران، دخالت سپاهیان حجریه و ساجیه و ظهور و بروز فرقه‌های مذهبی مانند حنابله و قرامطه روی داد. بنابراین، کشاکش دائمی میان عوامل خلافت بروز کرد؛ از جمله ابن رائق و دست‌پرورده‌اش، بجکم، بر سر قدرت به منازعه پرداختند. ابن رائق با رقبای دیگر از جمله کورتکین دیلمی از سرداران دیلمیان بغداد و بریدیان نیز در کشمکش و ستیز بود که سرانجام وی به قتل رسید و این امر به امیرالامرای ناصرالدوله حمدانی بر بغداد و درگیری بریدی-حمدانی انجامید. این تنها گوشه کوچکی از درگیری‌های اطراف بغداد در فاصله سال‌های ۳۲۴ تا ۳۳۰ هـ ق و پس از آن بود.

از آنجا که نبرد کیل در عصر خلافت متقی رخ داد، ضروری است برای شناخت مرتبه و موقعیت سیاسی و اجتماعی وی توضیحاتی ارائه شود تا تصویر روشنی از ناکارآمدی خلیفه به دست آید. پس از مرگ راضی و در آغاز خلافت متقی، بجکم در دستگاه

خلافت نافذالامر بود و مقام امیرالامرای را برعهده داشت. منابع گزارش می‌دهند وی، که در هنگام مرگ راضی در بیرون از بغداد به سر می‌برد، دستور داد تا اعیان شهر، علویان، عباسیان، سران سپاهی، قضات و بزرگان بغداد گرد آیند. پس از شور و مشورت، سرانجام ابراهیم، فرزند مقتدر، را با لقب المتقی بالله به خلافت نشانند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۲۹-۲۸؛ ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/۸۹؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱/۱۹۸؛ غریغوریس، ۱۳۶۴: ۲۳۰؛ خضری بیگ، ۱۴۰۶: ۱۴۱۲).

برخی بر این باورند که متقی روشی که قابل ذکر باشد نداشت؛ زیرا کارش رو به پریشانی بود (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۸۷). مسعودی، که از نخبگان روزگار خود بود، چنین اظهار می‌دارد: حوادثی بر متقی گذشته که نظیر آن برای هیچ یک از خلفای بنی‌عباس رخ نداده بود (مسعودی، ۱۳۶۵: ۳۸۴). وی همچنین می‌افزاید که او در اداره کشور از خود اختیاری نداشت (مسعودی، بی‌تا: ۴/۳۴۰) و روزگارش به جنگ و شورش می‌گذشت (ابن طقطقی، ۱۳۶۷: ۳۸۷). همه امور خلافت در دست بجکم قرار داشت و خلیفه اسم بی‌مسامی بود (تتوی، ۱۳۸۲: ۳/۱۸۰۰؛ غریغوریس، ۱۳۶۴: ۲۳۰). متقی همچنین بازبچه دست بریدیان بود و همواره به وسیله آنان تهدید می‌شد (غریغوریس، ۱۳۶۴: ۲۳۰). او ناچار شد در هنگام حمله بریدیان به بغداد از شدت فشار آنان به موصل بگریزد و در پناه حمدانیان درآید. اینک که حوادث سال ۳۳۰ هـ ق به لحاظ زمینه‌های تاریخی نبرد کیل بررسی می‌شود، این نکات جلب توجه می‌کند:

الف) حمدانیان از سال ۲۶۰ هـ ق به بعد، جایگاه خود را در موصل و دیارات (دیار ربیع، دیار بکر و دیار مضر) استحکام بخشیدند و با همه فراز و نشیب‌هایی که در ارتباط با خلفا داشتند از نظر خلفا بهترین گزینه برای رهایی از بن‌بست پیش رو بودند (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۳/۱۳)

۱۹۸ و ۲۰۲؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۳/۳۲۶).

ب) بریدیان از دو دهه پیش بر ثروتمندترین مناطقی که گلوگاه اقتصادی بغداد به شمار می‌آمد؛ مانند خوزستان حکم رانده و طی آن مدت چند بار هم به مقام وزارت رسیده بودند و به خصوص در بغداد عوامل، هواداران و جاسوسانی داشتند که تمامی اخبار و اطلاعات مرکز خلافت را در اختیار آنان می‌گذاشتند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۲۲۱؛ عمادزاده، ۱۳۷۴: ۲/۵۸۵).

ج) آل بویه با پیروزی بر رقبای خود در راه رسیدن به بغداد بردباری نشان دادند و مترصد حوادث بعدی بودند؛ بدین ترتیب، نیرویشان روز به روز افزایش می‌یافت و به گونه‌ای حساب شده و زیرکانه در آرزوی فتح بغداد و رسیدن به قدرت بودند (کاهن، ۱۳۸۴: ۱۳۹).

د) قرمطیان به دلیل مزاحمت‌هایی که برای خلفا فراهم می‌کردند با همه تلاش‌هایشان کروفتر گذشته را برای تحرک نظامی نداشتند؛ ولی هر آن خطری برای دستگاه خلافت به شمار می‌رفتند و در تضعیف آن می‌کوشیدند (اصفهان‌ی، ۱۳۶۷: ۱۹۲-۱۸۶؛ بردی الاتابکی، ۱۹۹۲: ۳/۲۲۵-۲۲۴؛ مسعودی، ۱۳۶۵: ۱۳۶۶).

به سبب حضور پرسابقه برادران بریدی در خدمات دولتی، در سال ۳۳۰ هـ ق ابو عبدالله بریدی به وسیله متقی برای دومین بار به وزارت برگزیده شد (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/۹۹؛ ابن تغری، ۱۳۴۹: ۳/۳۱۲)؛ ولی از آنجا که ابن رائق، امیرالامرا، محبوبیت چندانی نداشت، ترکان به ریاست توزون بر او شوریدند و همگی در واسط به ابو عبدالله بریدی پیوستند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۵۱).

با پیوستن ترکان به ابو عبدالله بریدی قدرت وی افزایش یافت (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/۹۹)، تاجایی که برادرش، ابوالحسین، را به فرماندهی برگزید و او را با

تمام سپاهیان خود به اضافه سپاهیان ترک و دیلم به سوی بغداد فرستاد (همان جا؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۲/۶۲۸). در بغداد گرانی و بیماری وبا شایع شده بود (ابن العماد، بی تا: ۴/۱۶۷). مورخان گزارش کرده‌اند که شدت قحط و غلا موجب خوردن میت شده بود (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۱۴/۱۹؛ ابن تغری، ۱۳۴۹: ۳/۳۱۶؛ سیوطی، ۱۳۷۱: ۳۶۰).

متقی، خلیفه عباسی، با حرکت ابوالحسین بریدی و سپاهیان دیلمی او به سمت بغداد همراه فرزندش و ابن رائق برای جنگ با او روانه شد. حتی قاریان در حالی که قرآن‌های باز در دست داشتند، توده مردم را به جنگ با بریدیان فرامی‌خواندند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۶/۵۲). نتیجه این کارزار، فرار متقی به همراهی فرزند و برخی از یارانش به سمت موصل، مقرر حمدانیان، و پیروزی ابوالحسین بریدی و سپاهیان بود. اما پس از پیروزی، عملکرد چهار ماهه ابوالحسین و سپاهیان دیلمی‌اش در بغداد نه تنها آینده ناگواری برای او رقم زد، بلکه برای همیشه خاندان بریدی را نیز در سقوط کامل فروبرد. بیشتر منابع از عملکرد نادرست بریدیان و دیلمیان با مردم بغداد خبر داده‌اند:

- دیلمیان (اصحاب بریدی) هر کسی را در دارالسلطان یافتند کشتند.

- به شکل گسترده‌ای مردم بغداد را غارت کردند.

- دیلمیان به حرم خلیفه تعرض نمودند (همان: ۵۳).

مورخان از هتک حرمت‌ها، کشتاری سنگین و غرق شدن بیش از ده هزار نفر و به یغما رفتن خانه خلافت و خانه‌های مردان حکومت خبر داده‌اند (مسعودی، ۱۳۶۵: ۳۸۴؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۲/۶۳۹).

منابع دیگر، گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای از حضور دیلمیان بریدی در دارالخلافت داده‌اند که بر اثر اقدامات آنها مرگ بر بغداد سایه افکند. به هر حال، ابوالحسین

سیام ذی القعدة تا سوم ذی الحجه) (سامر، ۱۳۸۰: ۱۳۶). نخست پیروزی از آن بریدیان بود؛ زیرا یاران علی سیف الدوله از صحنه جنگ گریختند، اما ناصرالدوله از مدائن او را پشتیبانی کرد و شکست بر سپاه ابوالحسین بریدی افتاد (صولی، بی تا: ۲۲۸؛ همدانی، ۱۹۶۱: ۱۲۹؛ سیوطی، ۱۳۷۱: ۳۶۵؛ ابن عماد، بی تا: ۱۶۸ / ۴).

پیامدهای اولیه نبرد

این نبرد، که در تاریخ از آن به عنوان جنگ کیل یاد شده است، قوای هر دو طرف حمدانی و بریدی را تحلیل برد؛ اما برای بریدیان بیش از حد گران تمام شد؛ زیرا:

۱. بیشتر اعضای دیلمی سپاه بریدی به حمدانیان پیوستند و در خدمت آنان قرار گرفتند.
۲. گروهی از سرداران بریدی کشته شدند.
۳. گروهی از یاران بریدی از جمله یانس غلام بریدی، ابوعبدالله، ابوالفتح بن طاهر و محمد بن عبدالصمد با مذکر (اندرزگر) بریدی و فرج، دبیر سپاه بریدی، اسیر شدند (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵۸ / ۶).
۴. بریدی ورشکسته و پراکنده به واسط گریخت. این جنگ برای حمدانیان نیز چیزی به جا نگذاشت؛ زیرا:
 ۱. آن چنان نیروی سیف الدوله را تحلیل برد و زخمی های فراوانی به جا گذاشت که نتوانست فراریان بریدی را تعقیب کند.
 ۲. اگرچه مدتی مقام امیرالامرای به وسیله ناصرالدوله در بغداد حفظ شد، روابط ترکان و حمدانیان به سردی گرایید و سرانجام به فرار حمدانیان از بغداد انجامید.
 ۳. ترکان بر بغداد مسلط شدند و بار دیگر توزون به بالاترین مقام امارت رسید.

با ترکان نیز بدرفتاری کرد و زنان و فرزندان بیشتر آنان از جمله سرکرده شان، توزون، را نزد برادر خود، ابوعبدالله بریدی، به گروگان فرستاد (ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴ / ۱۰۰؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵۳ / ۶). گزارش های دیگری از عملکرد ناهنجار بریدیان با مردم بغداد حکایت دارد که تنفر مردم و سپاهیان را به دنبال داشت (ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵۴ / ۶؛ ابن خلدون، ۱۳۶۶: ۳ / ۳۲۹؛ قلقشندی، بی تا: ۱ / ۲۹۵).

به سبب رفتارهای ناشایست ابوالحسین و دیلمیان، ترکان در بغداد بر آنها شوریدند و توزون به اتفاق یارانش به موصل گریخت. این امر در سرنوشت بریدیان بس زیانبار بود. حال با توجه به نارضایتی مردم بغداد و ترکان از ابوالحسین و با پیوستن ترکان و توزون به حمدانیان، آنان قدرت یافتند و ناصرالدوله نیز با قتل ابن رائق، رقیب بزرگ خود را از سر راه برداشت (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۲۰۲؛ ابن العماد، بی تا: ۱۶۸ / ۴؛ تتوی، ۱۳۸۲: ۳ / ۱۸۰۵) و به اتفاق خلیفه و ترکان به سمت بغداد حرکت کرد. ابوالحسین بریدی به دلیل ناتوانی ناچار بغداد را ترک کرد و به واسط گریخت (قلقشندی، بی تا: ۱ / ۲۹۵).

با وجود استقرار ناصرالدوله در بغداد هنوز خطر ابوالحسین بریدی از میان نرفته بود. مردم بغداد با رسیدن اخبار حمله دوباره ابوالحسین بریدی دچار ترسی و وحشت شدند و تدابیری اندیشیده شد تا از ورود وی جلوگیری شود. سرانجام حمدانیان به کمک ترکان، و بریدیان به کمک دیلمیان در نزدیکی مدائن رویاروی هم قرار گرفتند. بیشتر منابع وضعیت جنگ را به صورت تقریباً یکسان گزارش کرده اند (صولی، بی تا: ۲۲۸؛ ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵۸ / ۶؛ همدانی، ۱۹۶۱: ۱۲۹؛ ابن اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴ / ۱۰۴).

نبرد کیل با افت و خیزهایی به مدت چهار روز ادامه داشت و آسیای جنگ با خون می چرخید (از

بازسازی قوا را نداشتند، به خصوص که یازده ماه در محاصره کامل سپاهیان ترک و حمدانی بودند. آنان پس از نبرد کیل از چند طرف در معرض نیستی و نابودی قرار گرفتند. نخست، امیر عمان، یوسف بن وجیه، که خطرش با لطایف الحیل از طرف ناخدای بریدیان با سوزاندن کشتی‌هایشان دور شد. دوم، معزالدوله که ناقوس مرگ بریدیان را نواخت؛ اما پیش از آنکه معزالدوله آنان را به نیستی و نابودی کامل بکشاند با قتل ابویوسف بریدی به وسیله برادر بزرگ‌تر، ابوعبدالله، آنان خود با دست خویش مرگ حتمی خاندان خود را رقم زدند.

- به علت آنکه در صفوف سپاهیان بومی و ترکان طرفدار سیف‌الدوله حمدانی اختلاف بروز کرد و در اثر شدت تحکم ترکان، حمدانیان نه تنها از اطراف مداین عقب نشستند، بلکه ناچار شدند بغداد را نیز تخلیه کنند و به سمت موصل عقب نشینند. پس از این عقب‌نشینی سیف‌الدوله فرصت را مغتنم شمرد و با سپاهیان تحت امرش به سمت دمشق و حلب راند و در حلب موفق شد بزرگ‌ترین پایگاه ادبی - فرهنگی را پایه‌گذاری کند.

- آل‌بویه از مدت‌ها پیش از آن هشیارانه با صبر و پشتکار برای ورود به بغداد و به دست گرفتن قدرت لحظه شماری می‌کردند. اینک با درهم شکستن قدرت نظامی بریدیان و از دست رفتن سران و سردارانشان، و عقب‌نشینی حمدانیان از بغداد فرصت خوبی برای رخنه به دروازه عراق و شهر بغداد به دست آوردند.

- با ظهور آل‌بویه نیروی غیرمتمرکز امیرالامراها حذف شد و قدرت وزارت و نهادهای اجرایی پس از گذشت یک قرن بار دیگر در اختیار ایرانیان قرار گرفت و دوره شکوفایی فرهنگ و تمدن و بالندگی امت اسلام و رشد تشیع فراهم شد.

۴. حمدانیان چون گذشته ناچار موصل را به عنوان پایگاه و مقر اصلی خود حفظ کردند و از مشکلات بغداد دور شدند.

۵. همچنان موج بی‌اعتمادی بین خلفا و حمدانیان وجود داشت.

۶. به سبب کثرت افراد خاندان حمدانی، آنان جبهه‌ای جدید برای خود گشودند؛ علی سیف‌الدوله راه حلب و دمشق را برگزید و سرانجام خاندان حمدانی دو دولت در دو پایگاه دایر کردند: حمدانیان موصل به رهبری ناصرالدوله و حمدانیان حلب به رهبری سیف‌الدوله.

نتیجه

- نتیجه جنگ بزرگ کیل و شکست توأم با عقب‌نشینی نیروهای بریدی آن‌چنان مهم بود که به قول ابن‌مسکویه، متقی فتح‌نامه به جهان فرستاد.

- اسرای بریدی را در بغداد به گردش درآوردند و در معرض دید مردم قرار دادند. توان نیروهای بریدی آن‌چنان درهم شکسته شد که پس از جنگ کیل نتوانستند به اقدام نمایانی دست زنند و دو سال بعد نیز با قتل و مرگ ابویوسف و ابوعبدالله، برترین امرای بریدی، از اهمیت بریدیان کاسته و نقش آنان در تاریخ برای همیشه کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد.

- شاید اثر شکست این جنگ دنباله اقدامات ضدانسانی ابوالحسین بریدی و عملکرد زشت یاران دیلمی او در بغداد بوده باشد که بر مردم چنان ستمی روا داشتند که علما و قضات (همان: ۱۱۳-۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۵۰: ۱۴/۱۶۰؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱/۲۱۱) بناچار در یک گردهمایی به قتل ابوالحسین بریدی فتوا دادند.

- بریدیان پس از نبرد کیل، دیگر هیچ‌گاه برای بغداد عنصری فعال یا نامطلوب به شمار نیامدند و نتوانستند برای خلافت و درباریان خطری ایجاد کنند؛ زیرا توان

پی‌نوشت‌ها

۶. ابن‌رسته، احمد بن عمر. (۱۳۶۵). *الاعلاق النفیسه*،

ترجمه و تحقیق حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.

۷. ابن طقطقی، محمد بن علی. (۱۳۶۷). *تاریخ فخری*

در آداب ملکداری دولتهای اسلامی، ترجمه محمد وحید گلیایگانی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.

۸. ابن‌العماد، عبدالحی. (بی‌تا). *شذرات الذهب فی*

اخبار من ذهب، جلد‌های دوم و چهارم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۹. ابن‌کثیر، ابی‌الفداء حافظ. (۱۴۰۸هـ ق / ۱۹۸۸م).

البدایه و النهایه فی التاریخ، الجزء الحادی العشر، بیروت: مکتبه المعارف.

۱۰. ابن‌مسکویه، ابوعلی. (۱۳۷۶). *تجارب الامم*،

جلدهای پنجم و ششم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس.

۱۱. اصطخری، ابواسحق ابراهیم بن محمد. (۱۳۴۷).

مسالك و ممالک، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۲. اصفهانی، حمزه بن حسن. (۱۳۶۷). *تاریخ*

پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.

۱۳. ایوب، ابراهیم. (۱۹۸۹). *تاریخ العباسی (سیاسی*

و الحضاری)، بیروت: الشركة العالمیه للکتاب.

۱۴. بروکلیمان، کارل. (۱۳۸۳). *تاریخ ملل و دول*

اسلامی، ترجمه هادی جزایری، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۵. تتوی، قاضی احمد و آصف خان قزوینی. (۱۳۸۲).

تاریخ الفی، جلد سوم، تصحیح غلامرضا مجد، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۶. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد. (۱۳۶۸). *اشکال*

العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱. سپاهیان ساجی به دسته‌هایی از بازماندگان یوسف بن

ابی‌الساج، سردار بزرگ عباسیان، گفته می‌شود که در نبرد با

قرامطه در سال ۳۱۵ هـ ق کشته شد (ابن‌مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/

۲۵۱-۲۴۵). همچنین شاید نسبت ساجیان به ساج‌نشینان

باشد که در خانه‌هایی از نی مانند کپرنشینان امروزی زندگی

می‌کردند (همان: ۱۷۹ پاورقی). سپاهیان حجری غلام‌بچگان

ویژه اتاق‌های کاخ خلیفه بودند. ایشان پس از بزرگ شدن

به شاخه‌ای از سپاهیان می‌پیوستند که نگهبانی تاج و تخت

و مذهب رسمی بر دوش آنان بود و فداییان سپهسالاران

خود بودند (همان: ۵۳۸ پاورقی).

۲. لعنت خدا بر آن شبی که در دیار کال بودم (کنایه از

سختی آن شب).

منابع

۱. ابن‌اثیر، عزالدین. (۱۳۵۰). *الکامل فی التاریخ*،

جلدهای سیزدهم و چهاردهم، ترجمه عباس خلیلی، تهران: کتب ایران.

۲. ابن تغری بردی الاتابکی، جمال‌الدین ابی‌المحاسن

یوسف. (۱۳۴۹). *النجوم الزاهره فی ملوک المصر و*

القاهره، جلد سوم، قاهره: مطبعة دارالکتب المصریه.

۳. ابن‌جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۱۲ هـ

ق/۱۹۹۲م). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*،

جلدهای سیزدهم و چهاردهم، تحقیق محمد و مصطفی

عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۴. ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۶۶). *العبر*، جلد‌های

دوم و سوم، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه

مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۵. ابن‌خلکان، احمد بن محمد. (بی‌تا). *وفیات الاعیان*

و انباء ابناء الزمان، جلد سوم، حقه احسان عباس،

بیروت: دارصادر.

۱۷. حسن، ابراهیم حسن. (۱۳۶۲). **تاریخ سیاسی اسلام**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان، چاپ پنجم.
۱۸. حموی، یاقوت. (۱۳۹۹ هـ ق / ۱۹۷۹ م). **معجم البلدان**، جلد‌های اول تا چهارم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۹. خضری بیگ، شیخ محمد. (۱۴۰۶ هـ ق / ۱۹۸۶ م). **الدوله العباسیه**، به تحقیق شیخ محمد عثمانی، بیروت: دارالقلم.
۲۰. دهخدا، علی اکبر. **لغت نامه**.
۲۱. سامر، فیصل. (۱۳۸۰). **دولت حمدانیان**، ترجمه علی‌رضا زکاوته قراگوزلو، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۳۷۱). **تاریخ الخلفاء**، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، مصر.
۲۳. الصولی، ابی‌بکر محمد بن یحیی. (بی‌تا). **اخبار الرازی بالله و المتقی لله (او تاریخ الدوله العباسیه من سنه ۳۲۲ الی سنه ۳۳۳ هجریه) من کتاب الاوراق**، عنی بنشره ج. هیورث. دن، ناشر: الهیئه العامه لقصور الثقافه.
۲۴. عش، یوسف. (۱۴۰۲ هـ ق). **تاریخ عصر خلافة العباسیه**، دمشق: دارالفکر.
۲۵. عمادزاده، حسین. (۱۳۷۴). **تاریخ مفصل اسلام**، تهران: اسلام.
۲۶. غریغوریوس، ابوالفرج. (۱۳۶۴). **تاریخ المختصر الدول**، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، تهران: اطلاعات.
۲۷. قلقشندی احمد بن علی ابن احمد. (بی‌تا). **معاصر الانانه فی معالم الخلافة**، الجزء الاول، تحقیق بعد اسطار احمد سراج، بی چاپ، بیروت: العالم الکتاب.
۲۸. کاهن، کلود و کبیر. (۱۳۸۴). **بویهیان**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی، چاپ اول.
۲۹. کرمر، جوئل. (۱۳۷۵). **احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه (انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی)**، ترجمه محمدسعید حنائی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۰. لسترنج، گای. (۱۳۶۴). **جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی**، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۳۱. مسعودی، علی بن الحسین. (۱۳۶۵). **التنبیه و الاشراف**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۳۲. ----- . (بی‌تا). **مروج الذهب و معادن الجواهر**، جلد چهارم، بتحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفه.
۳۳. ----- . (۱۳۷۰). **مروج الذهب و معادن الجواهر**، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.
۳۴. مقدسی، ابو عبدالله محمد. (۱۹۰۶). **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، لیدن: مطبعه بریل، الطبعة الثانية.
۳۵. ناشناس. (۱۳۶۲). **حدود العالم من المشرق الی المغرب**، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
۳۶. همدانی، محمد بن عبدالملک. (۱۹۶۱). **تکمله تاریخ طبری**، جزء اول، تحقیق آلبرت یوسف کنعان، بیروت: المطبعه الکاثولیکیه، الطبعة الثانية.
۳۷. یعقوبی، ابن‌واضح. (۱۳۴۷). **البلدان**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.